

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ ایران در محاصره، قدرت‌گیری مجتبی خامنه‌ای و «ناتوی اسلامی»

محمد ضرغامی

۱ دقیقه پیش



دو تحول مهم، یکی در ساختار امنیتی و سیاسی ایران و دیگری در سطح منطقه، معادلات امنیتی و سیاسی را وارد مرحله تازه‌ای کرده است.

در ایران، با انتصاب محسن رضایی به‌عنوان نماینده مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در شورای عالی امنیت ملی و هم‌زمان دبیری این شورا که یکی از مهم‌ترین نهادهای تصمیم‌گیری راهبردی و امنیتی ایران است، تغییر مهمی در ساختار سیاست‌گذاری امنیتی رقم خورده است.

این انتصاب در میانه فراز و فرودهای تنش‌آمیز در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، بار دیگر موضوع هماهنگی میان «میدان و دیپلماسی» و نیز انسجام در سیاست‌گذاری امنیتی را به مرکز توجه آورده است.

در سوی دیگر و در سطح منطقه، ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان با امضای یک پیمان دفاعی مشترک، گام تازه‌ای در مسیر همکاری‌های امنیتی برداشتند؛ توافقی که پرسش‌های تازه‌ای درباره آرایش قدرت در

خاورمیانه، کاهش اتکای برخی کشورها به ترتیبات امنیتی گذشته و احتمال شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید را مطرح کرده است.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، حسین آرین، کارشناس امور نظامی و راهبردی از نیوکاسل و میثم بادامچی، کارشناس فلسفهٔ سیاسی و پژوهشگر ارشد در مؤسسهٔ مطالعات بین‌منطقه‌ای قانون اساسی‌گرایی در دانشگاه چارلز جمهوری از آنتالیا به هم‌زمانی این دو رویداد و بازخوانی آن پرداخته‌اند.



↙ لینک مستقیم

↗ بازکردن در پنجره جدید

تثبیت نیروهای نزدیک به مجتبی خامنه‌ای

حسین آرین تغییرات و انتصاب‌های اخیر از سوی رهبر جمهوری اسلامی را بیش از آن‌که ورود چهره‌های جدید به ساختار قدرت بداند، تلاشی برای تثبیت موقعیت نیروهای ارزیابی می‌کند که پیش‌تر نیز در این ساختار حضور داشته‌اند.

از نگاه او، مهم‌ترین تغییر، انتصاب محسن رضایی به‌عنوان نمایندهٔ مجتبی خامنه‌ای در شورای عالی امنیت ملی و سپس دبیر این شورا است؛ انتصابی که می‌تواند نشانهٔ افزایش نقش و نظر مجتبی خامنه‌ای در تصمیم‌های این شورا باشد.

آقای آرین مواضع محسن رضایی دربارهٔ جنگ و مذاکره با آمریکا را تندروانه توصیف می‌کند و می‌گوید او بر ادامهٔ جنگ تا حد امکان و استفاده از ظرفیت‌هایی مانند تنگهٔ هرمز برای افزایش فشار و گرفتن امتیاز از آمریکا تأکید دارد.

میثم بادامچی نیز معتقد است مجتبی خامنه‌ای با چیدمان نیروهای نزدیک به خود، در مسیر تداوم رویکرد پدرش در سیاست خارجی و نگاه ضدغربی حرکت می‌کند.

او انتصاب حسین طائب به ریاست سازمان بسیج را نیز معنادار می‌داند و با توجه به نزدیکی طائب به مجتبی خامنه‌ای، آن را مرتبط با نقش بسیج در برخورد با اعتراض‌های آینده ارزیابی می‌کند.

آقای بادامچی انتصاب محسن رضایی را نیز پیامی به محمدباقر قالیباف و مسعود پزشکیان و نشانهٔ تقویت رویکرد تهاجمی‌تر در ساختار قدرت می‌داند.

تهران - واشینگتن؛ تفاهم ممکن، صلح بعید

حسین آرین معتقد است با وجود مواضع تند برخی جریان‌ها، ۱۰ عضو شورای عالی امنیت ملی با اصل و متن تفاهم‌نامهٔ مطرح‌شده موافق بوده‌اند و فشارهای اقتصادی، فقر، تحریم‌ها و محاصرهٔ دریایی، تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی را به سمت نوعی تفاهم سوق می‌دهد.

او معتقد است دونالد ترامپ نیز پس از آن‌که به این نتیجه رسیده راه‌حل نظامی نمی‌تواند بحران را حل کند، به دنبال راه‌حل سیاسی است و بازگشایی تنگهٔ هرمز بخشی از همین تلاش است.

با این حال، آقای آرین دستیابی به صلح پایدار را بعید می‌داند و احتمال می‌دهد نتیجه مذاکرات، در صورت ازسرگیری، بیشتر یک آتش‌بس بلندمدت و شکننده باشد.

از نگاه او، جمهوری اسلامی تنگهٔ هرمز را اهرم فشار می‌داند، اما باید از زیاده‌روی پرهیز کند.

حسین آرین احتمال می‌دهد تهران با اصلاحاتی مانند برداشته شدن محاصره دریایی، آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده، کاهش تدریجی تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری در ایران به تفاهم‌نامهٔ قبلی بازگردد.

میثم بادامچی اما این ارزیابی را بیش از حد خوش‌بینانه می‌داند. به گفتهٔ او، جناح تندرو خواهان توافق جامع نیست و بیشتر به دنبال حفظ الگوی «نه جنگ، نه صلح» است؛ الگویی که نه به حل اختلاف با آمریکا منجر می‌شود و نه کشور را وارد جنگ دائمی می‌کند. او معتقد است تداوم تخاصم ایران و آمریکا به سود روسیه و چین است و توافقات موقت و محدود را می‌توان پذیرفت، اما حل جامع رابطهٔ ایران و آمریکا برای تدریجاً قابل قبول نیست.

ناتوی اسلامی یا ائتلاف دفاعی؟

حسین آرین دربارهٔ پیمان میان عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه می‌گوید این توافق در ادامهٔ پیمان قبلی عربستان و پاکستان شکل گرفته و بندی مشابه مادهٔ ۵ ناتو دارد؛ یعنی در صورت حمله به یکی از اعضا، دیگر اعضا از آن حمایت می‌کنند. با این حال، او این پیمان را عمدتاً دفاعی می‌داند و معتقد است نمی‌توان آن را «ناتوی اسلامی» یا ائتلافی تهاجمی تلقی کرد.

او می‌گوید پاکستان در جنگ اخیر به جای ورود مستقیم، حدود ۸ هزار نیروی نظامی، پهپاد و سامانه‌های پدافندی در عربستان مستقر کرد. به باور آقای آرین، این پیمان اگرچه رسماً علیه کشور مشخصی نیست، در عمل بیش از همه متوجه ایران، حوثی‌ها و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی است.

از نظر او، روابط نزدیک سه کشور با آمریکا مانع شکل‌گیری ائتلافی ضداسرائیلی می‌شود. در این همکاری، عربستان سرمایه و منابع مالی، ترکیه توان صنایع دفاعی و فناوری نظامی و پاکستان نیروی انسانی و ظرفیت نظامی را فراهم می‌کند.

تغییر رویکرد ترکیه و انزوای ایران

میثم بادامچی معتقد است حضور ترکیه در این پیمان بخشی از سیاست عمل‌گرایانهٔ آنکارا برای تضمین امنیت خود است. او می‌گوید اردوغان پس از ۷ اکتبر و به‌ویژه پس از حملهٔ اسرائیل و آمریکا به ایران، از سیاست خارجی اسلام‌گرایانه، تهاجمی و ضدغرب فاصله گرفته و نمی‌خواهد تهدیدهای منطقه‌ای به داخل ترکیه سرریز شود.

به گفتهٔ آقای بادامچی، نگرانی از گسترش جنگ ایران به مسئلهٔ کردی نیز باعث شده بخشی از نیروهایی که پیش‌تر با مذاکره دربارهٔ پ.ک.ک مخالف بودند، به سمت توافق و مذاکره حرکت کنند.

او در مقابل، جمهوری اسلامی را به دلیل انزوای سیاسی و نبود اعتماد متقابل، خارج از چنین ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌داند و معتقد است تفاوت میان ایران به‌عنوان یک کشور تاریخی و جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام حاکم، عامل اصلی این وضعیت است؛ بنابراین، خروج ایران از انزوا نیازمند تغییر این وضعیت است.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی

